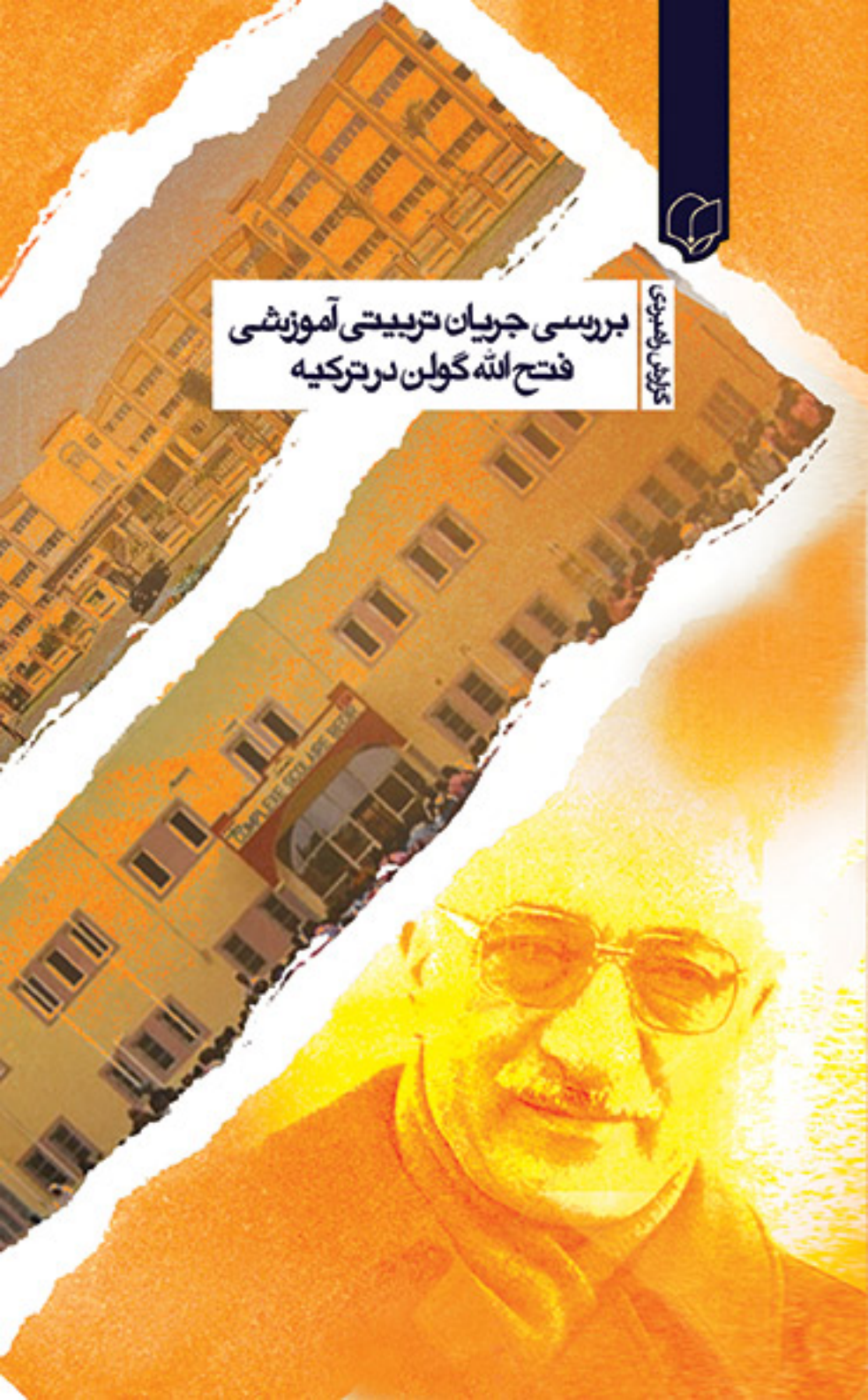




گزارش تصویری

## بررسی جریان تربیتی آموزشی فتح الله گولن در ترکیه







## گزارش راهبردی

بررسی جریان  
تربیتی، آموزشی  
فتح الله گولن در  
ترکیه



گزارش راهبردی؛ بررسی جریان تربیتی، آموزشی فتح الله گولن در ترکیه

کاری از: مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

تهیه کننده: معاونت علمی

سخنران: وحید کلاتری

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: شهریور ۱۳۹۴

طراحی جلد و صفحه آرایی: محمد طالب زاده و سیدمصطفی شفیعی

ویراستار: محسن احمدی

آدرس: تهران، تهرانپارس، تقاطع بزرگراه شهید باقری و

رسالت، خیابان شهید صادقی ۱۱۳، پلاک ۱۱۲

تلفن: ۷۷۷۳۱۰۱۹

تارنما: <http://tarbiateslami.com>

پست الکترونیکی: [research@tarbiateslami.com](mailto:research@tarbiateslami.com)

حق چاپ برای مرکز محفوظ است.

## پیشگفتار

مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی به عنوان یک نهاد تربیتی پیشرو، پیش‌برنده و الگو، بخشی از اتاق فکر تربیت اسلامی کشور است که با رویکرد تولید اندیشه و الگوسازی و با اولویت شجره طیبه صالحین فعالیت می‌کند و بر آن است تا با جذب افراد متعهد (مؤمن جهادی) و متخصص (دانشگاهی و حوزوی) و توانمندسازی و به‌کارگیری مؤثر ایشان در حوزه‌های مختلف تربیت اسلامی و ایجاد منظومه‌ای متشکل از مجموعه‌های متنوع آموزشی، پژوهشی و الگوسازی، نقش بسزایی را در تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی ایفا نموده و به بازوی فکری نظام مقدس جمهوری اسلامی در حوزه تربیت نیروی تراز انقلاب اسلامی تبدیل گردد.

پژوهش پیش رو تلاشی است در راستای تحقق اهداف این مرکز، که با همکاری پژوهشگران و صاحب‌نظران و در راستای نقشه علمی مرکز آماده و تولید شده است، از این رو مدیریت پژوهش و نشر نیز می‌کوشد تا با پشتیبانی و حمایت از پژوهشگران و فعالان حیطه‌های مرتبط در مسیر رفع نیازهای پژوهشی و کاربردی انقلابی اسلامی گام بردارد.

مدیریت پژوهش و نشر

مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی



## فهرست

- اهداف و اولویتهای تحقیق ..... ۹
- تعاریف تربیت از منظر چند شخصیت بزرگ ..... ۱۰
- ابعاد پژوهش ..... ۱۳
- به چه دلیل ترکیه اهمیت دارد؟ موقعیت آن چگونه است؟ ..... ۱۴
- پشتوانه فکری این جریان ..... ۱۵
- فتح‌الله گولن کیست؟ ..... ۱۶
- تشکیل نهضت ..... ۱۸
- ابزارهای اصلی جریان گولن ..... ۱۹





## اهداف و اولویت‌های تحقیق

- ۱- به دست آوردن و شناسایی کردن امور تربیتی در ایران و کشورهای منطقه؛ که این بحث در رابطه با کشور ترکیه است؛
- ۲- واکاوی شیوه‌های تربیتی از حیث محتوا و اجرا کردن مدل‌های فعال در منطقه که در صورت موفق بودن، بتوانیم به‌عنوان الگو از آن‌ها استفاده کنیم؛
- ۳- میزان تأثیرگذاری این جریان‌ها در داخل یا کشورهایی که مشغول به این کار هستند چقدر است؛
- ۴- استفاده از برخی رویکردهای مفید و قابل‌استفاده این جریان در داخل کشور.

مرکز مطالعات راهبردی  
تربیت اسلامی

## تعاریف تربیت از منظر چند شخصیت بزرگ

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: تربیت عبارت است از رشد، نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی که آن شیء کمال خود را بازیابد.

شهید مطهری: به فعلیت درآوردن و پروردن استعداد های درونی که بالقوه در یک شیء موجود است را تربیت می‌گویند.

آیت‌الله مصباح: تربیت یعنی شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعداد های نهفته افراد با کمک مربیان.

آیت‌الله مجتبی‌ی تهرانی: روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر به‌طوری که این روش ملکه او بشود.

از آنجاکه آیت‌الله مجتبی‌ی تهرانی (ره) بحث را به‌طور کاربردی‌تر تعریف می‌کنند (از بعد اخلاقی و معرفتی و...) تمرکز ما هم بیشتر روی مباحث ایشان است که در اینجا از بعد اخلاقی مدنظر است. ایشان می‌فرمایند که در تربیت از دو راه سمعی و بصری و در سه بعد گفتاری، رفتاری و دیداری با آن مواجه هستیم. ایشان سه اصل خیلی مهم را در تربیت مطرح می‌کنند که در بسیاری از جاها مورد غفلت قرار می‌گیرد:

۱- تربیت از عناوین قصدیه نیست؛ یعنی اینکه به‌عنوان مثال در ارتباط بین مربی و متربی قصدی که مربی دارد و می‌خواهد در تربیت کار کند مدخلیتی ندارد؛ یعنی اگر شما نیت کنید که این کار را انجام دهید یا نیت نکنید، این فعل یا حرف یا گفتار و رفتار شما روی مخاطب شما اثر خود را می‌گذارد و قصد شما هیچ دخالتی در اثرگذاری آن فعل روی مخاطب ندارد.

۲- تربیت امری تدریجی الاصول است نه دفعی الاصول؛ یعنی یک پروژه زمان‌بر و طولانی‌مدت است و به‌هیچ‌وجه برنامه سریعی نیست.

۳- تربیتی شدن امری غیرارادی است؛ به‌عنوان مثال رفتار و گفتار و ظاهر استاد اثر تربیتی دارد.  
جریان فتح‌الله گولن در برنامه خود این سه اصل را رعایت کرده و شاهد نتایج آن است.

در بحث تربیت، محیط‌های تربیتی نیز وجود دارد که از دیدگاه آیت‌الله تهرانی (ره) ما پنج محیط تربیتی داریم: محیط آموزشی، محیط خانوادگی، محیط شغلی، محیط رفاقتی و محیط پنجم که فضای حاکم بر این چهار محیط است، فضای حاکم بر جامعه است که این چهار محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یعنی اگر فرد محیط خانوادگی، شغلی، آموزشی و رفاقتی کاملاً مثبتی داشته باشد ولی فضای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، فضای درست و مثبتی نباشد، مطمئناً اثر معکوس تربیتی بر فرد می‌گذارد. افراد و نهادها هستند که فضای جامعه را می‌سازند. اولین فردی که در جامعه فضا‌ساز است خود شخص حاکم است که در جامعه ما ولی فقیه است که ایشان آن شرایط را ایجاد می‌کنند و یکی دیگر از این فضا‌سازها رسانه است.

در بین این پنج محیط عده‌ای معتقد هستند که محیط خانوادگی خیلی مهم است و تربیت‌پذیری فرد در خانواده بیشتر است و این درست نیز هست و در اسلام هم به آن تأکید شده؛ ولی نظر آیت‌الله تهرانی (ره) که برگرفته از معارف اسلامی هم هست و در جریان فتح‌الله گولن نیز استفاده می‌شود این است که محیط آموزشی مهم‌ترین محیط تربیتی است که حتی از محیط خانوادگی نیز مهم‌تر است؛ دلیل آن هم این است که اوج سن تربیتی افراد از سن هفت تا هفده سالگی است و این هم با توجه به حدیث امام صادق (ع) است (هفت سال اول بازی، هفت سال دوم مؤدب به آداب الهی، هفت سال سوم نظارت بر آموزش‌های داده شده) و به دلیل هم‌زمانی این دوران و وارد محیط آموزشی شدن (مثل مدرسه و دانشگاه) این محیط از محیط‌های دیگر مهم‌تر است؛ یعنی اگر خانواده کاملاً مثبت هم باشد ولی محیط آموزشی مثبت نباشد می‌تواند اثر تربیتی متفاوتی بر فرد بگذارد و این یک مساله

مهمی است که در بحث آموزش با آن مواجه هستیم. علاوه بر رابطه محبتی که بین شاگرد و استاد بوجود می‌آید یک رابطه علمی نیز هست که فهم و علم استاد هم ممکن است ناخودآگاه روی فرد اثر بگذارد و تعبیر خود حاج‌آقا تهرانی این است که معلم الگوی ناخودآگاه شاگرد است.



مرکز مطالعات راهبردی  
تربیت اسلامی

## ابعاد پژوهش

در حال حاضر آمریکا روی سه مدل اسلامی در منطقه کار می‌کند:

۱- مدل فتح‌الله گولن؛

۲- مدل وهابی؛

۳- مدل تربیتی که در عراق کار می‌کنند؛ یعنی بردن نخبه‌ها به اروپا و آمریکا به‌عنوان سفر علمی و آشنا کردن آن‌ها با فرهنگ غرب و مسائل دیگر.

نویسنده کتاب اسلام سیاسی آقای گراهام فولر مبدع اسلام میانه‌رو در ترکیه است. او جمله‌ای در رابطه با اسلامی که در ترکیه وجود دارد بیان کرده است: «اگر مدل آزمایشی‌ای که در ترکیه انجام می‌شود، موفق شود اسلام‌گرایان سیاسی به‌جای اعمال روش قدرت سخت برای کسب حاکمیت، به‌صورت دموکراتیک به بخشی از حاکمیت دولت تبدیل و حکومت تشکیل می‌دهند. در آن صورت ترکیه در منطقه نمونه و به جایگزین مدل ایران تبدیل خواهد شد. در صورتی که این طرح شکست بخورد در سایر کشورهای اسلامی از جمله مصر که تلاش می‌کنند اسلام میانه‌رو را از طریق انتخابات و مجلس وارد صحنه سیاسی کنند تأثیر منفی خواهد گذاشت.»

در سال ۲۰۰۷ مؤسسه رند در رابطه با فعالیت‌های گولن و کارهایی که در منطقه انجام می‌دهد گزارشی ارائه کرده که در بخشی از آن این‌طور آمده است: «مسلمانان حامی دموکراسی (همان مسلمان میانه‌رو) شایسته حمایت آمریکا هستند. حمایت از دموکراسی نیز به معنای مخالفت با مفهوم دولت اسلامی است. باید دید چه کسانی خواهان اجرای قانون شریعت هستند. تفسیر محافظه‌کاران از شریعت با دموکراسی و حقوق بشر پذیرفته شده از سوی جامعه بین‌المللی سازگاری ندارد. در نبرد ضد اسلام رادیکال،

مسلمان میانه‌رو، لیبرال و سکولار با ارزش‌های منطبق با ارزش‌های جهانی که اساس تمام جوامع لیبرال و مدرن هستند، شرکای بالقوه غرب خواهند بود.» این اسلام مورد تأیید غرب است و به‌شدت نیز بر روی آن کار می‌کنند.

## به چه دلیل ترکیه اهمیت دارد؟ موقعیت آن چگونه است؟

نخستین قانون اساسی ترکیه در سال ۱۹۲۴ میلادی نوشته شد که در آن دین اسلام به رسمیت شناخته شد. اولین رئیس‌جمهور ترکیه نیز مصطفی کمال پاشا معروف به "آتا ترک" بود که بعد از پیش‌نویس اولیه در سال ۱۹۲۸ قید اسلام را از قانون اساسی حذف کرد و بحث حاکمیت سکولار ترکیه را علناً مطرح کرد. در حال حاضر باوجود اینکه نود درصد مردم ترکیه مسلمان هستند اما حاکمیت آنجا سکولار است.

ترکیه عضو ناتو و سازمان همکاری‌های اقتصادی است و اهمیت ژئوپلیتیک بسیاری برای آمریکا و کشورهای منطقه دارد. موقعیت این کشور در منطقه در تقاطع خاورمیانه، قفقاز و بالکان قرار دارد. وجود تفکر اسلامی و تساهل مذهبی در میان رهبران مذهبی ترکیه به‌شدت وجود دارد و جامعه ترکیه به علت نزدیکی به اروپا و فرهنگ غرب تحت تأثیر این فرهنگ قرار دارد.

قدرت گرفتن احزاب سیاسی در ترکیه، تقریباً از سال ۱۹۷۰ میلادی شروع شد که آقای نجم‌الدین اردکان قصد پیاده کردن اسلام سیاسی در ترکیه را داشت و بسیار هم معتقد به وحدت بین کشورهای اسلامی بوده، در بحث‌های مربوط به آمریکا هم کاملاً نگاه امپریالیستی داشت. ایشان مبدع جنبش "نورجی" است که حزب رفاه و حزب فضیلت بعدها از این جنبش به وجود آمد. آقای اردوغان و عبدالله گل هم اوایل تقریباً در حزب رفاه و فضیلت بودند. بعد از این حزب، دو حزب عدالت و توسعه به وجود آمد که سال ۲۰۰۳ به قدرت رسیدند و از ۵۵۰ کرسی مجلس ترکیه ۳۶۲ کرسی را تصاحب کردند. حزب عدالت و توسعه دو پدر معنوی اصیل دارند، اولین نفر

"سعید نوراسی" معروف به بدیع‌الزمان نوراسی که ایشان در زمان آتاترک بودند، نفر دوم هم آقای "فتح‌الله گولن" است.

## پشتوانه فکری این جریان

سعید نوراسی در زمان آتاترک و زمانی که آتاترک به دنبال لائیسیته کردن حکومت بود با نوشته‌ها و تفاسیری که از قرآن داشت به شدت با افکار آتاترک مقابله می‌کرد و شاگردانی نیز تربیت کرد. ابتدا با برگزاری مجالس و کلاس‌ها در خانه‌ها و ایجاد حلقه‌های اولیه، شاگردانی را تربیت کرد و بعد این شاگردان باعث ترویج افکار وی شدند؛ که الگوی فتح‌الله گولن در مدارس نیز همین روش سعید نوراسی است. رساله نور که در سیزده جلد نوشته شده (شامل مجموعه کتاب‌ها و تفاسیر) مربوط به ایشان است. او اعتقادهای خاص خود را دارد که مهم‌ترین آن‌ها این است که می‌گوید تفاسیری که من (نوراسی) از قرآن داشتم از شخص خودم نیست، همان‌طور که قرآن بر پیامبر الهام شد، این تفاسیر نیز بر من الهام شده و من آن‌ها را برای شما بازگو می‌کنم. در حال حاضر کتاب‌های ایشان هم در ترکیه و هم در آمریکا چاپ می‌شود و گروه گولن نیز همین کتاب‌ها را تدریس می‌کنند. اعتقاد بعدی ایشان این است که خدا سه مربی برای ما قرار داده است: اول طبیعت، بعد خاتم النبیا و بعد قرآن مجید. اعتقاد شدیدی نیز به جدایی دین از سیاست دارد و در جمع شاگردان خود عبارت «اعوذ بالله من الشیطان والسیاسه» را زیاد به کار می‌برده و با هرگونه حرکت انقلابی و خشونت‌آمیز مخالف بوده و با توجه به همین افکارش با انقلاب اسلامی ایران هم مخالفت می‌کرده است. یکی از تحلیل‌هایی که درباره انقلاب اسلامی ایران دارد این است که می‌گوید: «نمی‌توان انقلاب ایران را به‌عنوان یک انقلاب اسلامی قبول نمود، اسلام دین صلح و خوش‌بینی است؛ ولی در ایران اسلامیت را به‌عنوان ایدئولوژی کینه و خصومت به کار گرفته‌اند. به این واسطه با نگاه کردن به انقلاب ایران نمی‌توان در برابر اسلام داوری نمود، دنیای غرب روش‌های غلط و خطایی را مورد استفاده قرار داده و با توسل به آن‌ها سعی در کاهش علاقه



مردم نسبت به اسلام را دارد، انقلاب ایران، اسلام را به شکل ترسناک و بدی که در شأن آن نیست جلوه داده است.» تحلیل دیگر او، این است که چون انقلاب ایران بر پایه اعتقادات شیعی است، اهل تسنن هیچ جایگاهی در آن ندارند. دیگر اینکه برعکس حضرت امام که معتقد بودند که نودونه درصد مقاصد قرآن و دین اسلام سیاسی است، ایشان معتقد است که نودوپنج درصد مفاهیم قرآن به مسائل فردی برمی‌گردد.

در مورد بحث اسلام ایشان نه معتقد به آن اسلام سنتی‌ای است که عثمانی‌ها داشتند و نه معتقد به بحث مدرنیته و غرب که آتاترک و لائیک‌های ترکیه به شدت پیگیر آن بودند. او معتقد است که می‌شود بین اسلام و علم، اسلام و سکولاریسم، اسلام و دموکراسی جمع کرد و می‌گوید بهترین مدل برای حکومت در جهان، دموکراسی است و ما باید این کار را انجام بدهیم.

دلیل علاقه مردم به افکار او و اینکه این جریان این همه مرید پیدا کرده (در بین جمعیت هشتاد میلیونی ترکیه حدوداً ده میلیون مرید دارند) این است که این گروه مؤسسات اجتماعی و خدمات‌رسانی‌ای که بیشتر در حوزه آموزش بود تأسیس کردند؛ به‌عنوان مثال تعدادی خوابگاه‌های دانشجویی، مدارس، مؤسسات آموزشی و... تأسیس می‌کردند، با قیمت پایین و خدمات‌رسانی با کیفیت بالا. این باعث می‌شد مردم زیاد استقبال کنند و این موضوع که ابتدا در ازمیر و استانبول بود به مناطق دیگر ترکیه هم سرایت کرده و گسترش یافت.

بعد از فوت آقای نوراسی نهضت نور با توجه به سلاطین شاگردان به چند شعبه تقسیم شدند، یکی از این شاگردان فتح‌الله گولن بود که اجتماع گولن را تشکیل داد.

## فتح‌الله گولن کیست؟

فتح‌الله گولن فارغ‌التحصیل مدرسه امام خطیب و دانشکده الاهیات است. او به دنبال تبلیغ مذهب حنفی و اشاعه اندیشه‌های سعید نوراسی در مناطق مختلف بوده است. از سال ۱۹۹۸ به آمریکا

رفته و در حال حاضر از آنجا سیستم خود در ترکیه را مدیریت می‌کند. در سال ۲۰۰۸ میلادی توسط مجله پاریستی به‌عنوان یکی از برترین و برانده‌ترین روشنفکران جهان انتخاب شد. او از نخستین کسانی است که در بحث اسلام‌گرایی به‌عنوان روشنفکر انتخاب می‌شود. در زمان شروع کار در ترکیه با جریان‌های مواجه بود که هنوز هم این مواجهات وجود دارد. سه جریان در ترکیه فعال هستند:

کمالیسم که طرفدار آتاترک و لائیسزم و به‌شدت مخالف دین هستند و دین را عامل عقب‌ماندگی می‌دانند و به‌شدت به مدرنیته و غرب علاقه دارند و یک جمله معروف هم دارند که می‌گویند «اروپا گلی است که باید با خارهایش آن را پذیرفت». جریان دوم سنت‌گرایان هستند که برخلاف گروه اول به‌شدت دین را قبول دارند و با غرب مخالف هستند. گروه سوم گروه نوراسی و گولن هستند که معتقدند بین اسلام و علم می‌شود اتحاد ایجاد کرد و از مدرنیته در اسلام استفاده کرد.

جنبش گولن در ظاهر یک جنبش غیرسیاسی است و در حال حاضر نیز هیچ کار سیاسی انجام نمی‌دهند و هدفی به نام تربیت مسلمان مدرن دارند که دارای اخلاق اسلامی و آموزشی در علم و دانش معاصر در جهت ایجاد جامعه مدرن باشد. این مجموعه چند هدف مهم دارد:

۱- آگاهی‌بخشی به مسلمین؛

۲- تبیین رابطه بین علم و دین؛

۳- تجدیدنظر در قرائت سنتی از اسلام با تربیت نسل ایمان، دانش، اخلاق، عشق، محبت، انسانیت، آرمان‌گرایی و از خودگذشتگی. این‌ها شاخص‌های نسل طلایی‌ای است که قصد تربیت آن‌ها را دارند.

جریان گولن بین اسلام و ارزش‌های غربی پیوند برقرار کرده و اسم‌های مختلفی نیز بر روی اسلام خودشان می‌گذارند (اسلام آموزشی، اسلام ترکی، اسلام اجتماعی و...) که همه در برابر اسلام سیاسی است.

## تشکیل نهضت

فتح‌الله گولن زمانی که دید جوانان از نظر مفاهیم بنیادین فکری ضعیف هستند، درصدد برآمد که برای تقویت پایه‌های فکری جوانان برنامه‌ریزی و تلاش کند. اولین کاری نیز که انجام داد این بود که در اردوگاهی در شهر ازمیر، یک دوره تابستانی دو-سه ماهه برای طیفی از جوانان تشکیل داده و یک حلقه اولیه درست کرد که این حلقه هنوز هم مشغول به کار هستند. آن‌ها می‌گویند تبدیل ارزش‌های اخلاقی از مجرای دانش به عمل، تنها از یک راه میسر است و آن‌هم از راه آموزش است؛ و به همین دلیل از اسم اسلام آموزشی استفاده می‌کنند. آقای گولن جمله معروفی دارد که می‌گوید «ما به دنبال تربیت ترکانی که به لحاظ فضیلت نمایانگر صحابی پیامبر (ص) و به لحاظ منش فضیلت ترکان باستان را نمایش دهند هستیم؛ و تربیت جوانانی که هم تعلیم بدهند و هم تجارت کنند.» چون مردم به این جنبش علاقه دارند لازم می‌دانند که ۵ تا ۲۰ درصد از درآمد ماهانه خود را به این جنبش دهند که صرف کارهای خیریه و آموزشی شود؛ همین دلیل تشویق مردم به تجارت است. یک اصل مهم خطاب به تجار دارند که می‌گویند «به‌جای اینکه مسجد بسازید مدرسه بسازید» و روی این تفکر خیلی هم کار می‌کنند.

از اهداف این جریان که تا حدی نیز محقق شده، یکی این بوده است که در خارج از ترکیه نیز مدارس داشته باشند و از طریق آموزش بتوانند به تفکر جامعه مدرن برسند؛ و به همین دلیل در حدود سی کشور دنیا حدود هزار مدرسه دارند. آن‌ها مصمم بودند که بعد از فروپاشی شوروی منطقه را قبل از ایران و عربستان در دست بگیرند و جالب است که در برخی از این کشورها قبل از سفارت ترکیه، مدارس گولن تشکیل شد. هدف دیگر آن‌ها این بود که مبلغینی را در ترکیه پرورش دهند و به کشورهای مختلف جهان بفرستند. هدف دیگرشان پرورش نسل برتری که بعد از ده پانزده سال این کشور را اداره کنند بوده است. در حال حاضر نیز سیستم قضایی و سیستم پلیسی ترکیه کاملاً طرفدار آقای گولن هستند.

## ابزارهای اصلی جریان گولن

این جریان، سه ابزار اصلی برای رسیدن به هدفشان در اختیار دارند:

۱- رسانه: در این حوزه کارهای مختلفی انجام داده‌اند از جمله پرتیراژترین روزنامه ترکیه که "زمان" است مربوط به ایشان است؛ همچنین شبکه‌های مختلف تلویزیونی را راه‌اندازی کرده‌اند.

۲- بازار: جدیداً اعلام شد که ایشان یک ثروت ۲۵ میلیارد دلاری دارد و این هم از این تفکر است که یکی از اصول اعتقادی ایشان تأکید بر کار کردن و تجارت است.

۳- آموزش: این جریان به دکترین آموزشی به شدت اعتقاد دارند و می‌گویند دکترین آموزشی یک سرمایه اجتماعی است که این سرمایه اجتماعی در قالب ساختار اجتماعی یا تربیت افراد، در جامعه نفوذ می‌کنند و تفکر ما را رواج می‌دهند که ما از این طریق به جامعه مدرن مدنظرمان خواهیم رسید.

اعتقاد دیگر گولن، این است که جامعه جهانی نیازمند یک ژاندارم جهانی ذی‌نفوذ صاحب قدرت اجرایی است که از نظر او آمریکا است. ایشان ارتباطاتی نیز با یهودیان و اسرائیل دارند.

گولن به پدر نسل طلایی ترکیه معروف است و شاخص‌هایی نیز برای این نسل طلایی دارد از جمله ایمان، علم، عشق، محبت، از خودگذشتگی و... . در ابتدا قصد او تربیت این نسل در ترکیه بود اما اکنون نگاهی جهانی به آموزش و تربیت نسل‌ها دارد. او معتقد است اصلی‌ترین نقش را در تربیت این نسل طلایی، معلمان دارند. او می‌گوید معلم در عمل، علم را با خرد ترکیب کرده و آن را با ارزش‌های اسلامی می‌آمیزد. معتقد است حرفه معلمی حرفه بسیار مقدسی است. همین معلمان بر افکار عمومی کار کرده‌اند که اکنون آن وجوهات مذهبی که مردم قبلاً به مساجد می‌دادند به مدارس گولن می‌دهند. همچنین معتقدند که معلم باید به تبلیغ اسلام بپردازد؛ البته تبلیغ مدرن از اسلام. معلم فقط علوم دینی تدریس نمی‌کند، آن‌ها به تدریس علوم تجربی می‌پردازند؛ ولی در عین حال از نظر اخلاقی در دانش خودشان الگو هستند. افرادی

را که ایشان به عنوان معلم انتخاب می‌کنند همه در طیف سنی بیست و پنج تا سی سال هستند و از نخبگان دانشگاه‌های ترکیه انتخاب شده‌اند و در دانش خودشان بسیار قوی هستند و در کنار آن از نظر اخلاقی نیز الگوی اخلاق هستند. همچنین در این مدارس دو زبان ترکی و انگلیسی تدریس می‌شود که برای زبان انگلیسی از دانشگاه کمبریج معلم می‌آورند و تمام کسانی که فارغ‌التحصیل مدارس گولن هستند به زبان انگلیسی کاملاً مسلط هستند.

مدارس گولن مقرراتی نیز دارند از جمله: اجرای مقررات آموزشی جاری در کشور، حذف یک سری موارد حساسیت‌برانگیز، تنش‌زا و خشونت‌آمیز، تقویت و توسعه مشترکات فرهنگی، هنری و تاریخی، مدح رهبران و ...

این تفکر به شدت به کار اهمیت می‌دهد و می‌گوید کار نوعی تهذیب نفس است و آموزش کار و صرف پول برای آموزش، مقدس است. آن‌ها همچنین معتقدند علاوه بر نجات روح خودمان باید دیگران را نیز نجات دهیم و برای نجات روح دیگران یا باید مستقیماً وارد کار آموزش شویم (به عنوان معلم، مربی و غیره) و یا اینکه اگر نمی‌توانیم به آن سیستم آموزشی پول بدهیم. او از این طریق توانسته است افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهد و پنج تا بیست درصد درآمد آن‌ها را دریافت کند؛ و اسم نهضت خود را نهضت کار گذاشته است. همچنین یکی از دلایل طرفداری و علاقه مردم و تجار به این جنبش این است که می‌گویند ایشان فرهنگ ترکیه را گسترش می‌دهند و باعث تعاملات ترکیه با دیگر کشورها شده‌اند. گولن به دلیل بحث تساهل، رابطه خوبی با آمریکا، اسرائیل و پاپ دارد و می‌گوید ما در ترکیه تساهل و گفتگو نداریم. او معتقد است ما باید با همه گفتگو و مدارا کنیم و مبنای تساهل را باید برپایه ارزش‌ها و تجارب مشترکی که داشتیم، قرار دهیم که یکی از این مشترکات ترک بودن است.

جنبش آموزشی گولن دو ویژگی خیلی مهم دارد: یکی ایجاد سرمایه اجتماعی که به شکل سازمان‌های اجتماعی است؛ دیگری تغییر اجتماعی که این تغییر اجتماعی از طریق تربیت نیروی

انسانی به وجود می‌آید و نکته جالب اینجاست که در بعضی از کشورها در مدارس تدریس می‌کنند که مسلمان نیستند. دلیل این موضوع آن است که ایشان می‌گویند: «اگر معلمی با ارزش‌های اسلامی علوم را تدریس کند، این تدریس کاربرد صحیح آن را نشان می‌دهد و اینکه این علوم به‌درستی بکار برده شود خود یک ارزش اسلامی است.» همچنین «فقط با دانش می‌شود به اسلام خدمت کرد. کسی که دانش ندارد، اگر نیتش خیر هم باشد مضر است؛ زیرا او نمی‌تواند ابزار مناسب برای رسیدن به آن هدف را انتخاب کند.»



مرکز مطالعات راهبردی  
تربیت اسلامی

